

# اصول و ویژگیهای مردم سالاری دینی

سید حسین اسحاقی

استناد مشروعیت حکومت اسلامی به حاکم علی الاطلاق، باعث شده است که اندیشمندان مسلمان دربارهٔ نقش و جایگاه مردم، برداشتهای متفاوتی داشته باشند. هر چند که هیچ یک نقش مردم را انکار نمی‌کنند، اما در تأثیرگذاری و تعیین کنندگی این نقش دیدگاههای متفاوتی دارند؛ بعضی نقش مردم را در کارآمدی و برخی دیگر در مشروعیت نظام جستجو می‌کنند و

در جهان بینی اسلامی، خداوند سبحان که خالق، مدبّر و قادر مطلق است، بر جهان و انسان حاکمیت دارد و در این حاکمیت هیچ کس شریک او نیست. بنابراین، ولایت و سرپرستی جوامع بشری به طور ذاتی و اولی از آن اوست. خداوند متعال ولایت پیامبران و ائمه معصومین - علیهم السلام - و در زمان غیبت، فقیهان واجد شرائط را در طول ولایت خود قرار داده است.

گروهی نیز مقبولیت مردمی را شرط اعمال ولایت می‌دانند.

به طور کلی، در میان اندیشمندان مسلمان دو دیدگاه عمده وجود دارد:

یک دیدگاه، حاکمیت را از آن خداوند دانسته، اما خواست عمومی و انتخاب مردمی را بر احکام دینی مقدم می‌داند. در این دیدگاه نظر و خواست اکثریت مبنای عمل دولت اسلامی قرار گرفته و عمل اکثریت، مشروعیت آفرین و الزام آور تلقی شده است؛ به گونه‌ای که نوع، مدل و روش حکومت اسلامی را مردم تعیین می‌کنند.

اما دیدگاه دیگر، حاکمیت را از آن خداوندی می‌داند که به نیازها و کمبودهای انسان آشناست و با توجه به آن، قوانین خاصی مقرر فرموده تا با عمل به آنها به سعادت برسند.

در این دیدگاه، خواست مردم در چارچوب احکام دینی، پذیرفته

شده است و مردم مسلمان برای اجرای دستورات الهی و بر اساس دین الهی در حکومت مشارکت می‌کنند و خواسته‌هایشان نیز فراتر از دین الهی نمی‌رود. این دیدگاه که

امروزه «مردم سالاری دینی» تعبیر می‌شود، از سوی برخی از فقهای شیعه مورد توجه قرار گرفته و مقام معظم رهبری نیز با ارائه مدلی خاص آن را تئوری پردازی کرده‌اند. در این روش، گرچه رأی و نظر

مردم مورد توجه قرار گرفته، اما از ارزشها و فضائل اخلاقی نیز غفلت نمی‌شود؛ بلکه محوریت با ارزشهاست و حکومت اسلامی حق

ندارد به بهانه مردم داری، روش تساهل و کم رنگ کردن ارزشهای دینی را به کار گیرد. مردم مسلمان نیز خواستار آزادی و دموکراسی در سایه دین هستند و اصول و روشهای ضد دینی را بر نمی‌تابند؛ چنان که مقام معظم رهبری به

صراحت به این نکته توجه داده اند: «روشهایی که برای کسب قدرت و حفظ آن به کار گرفته می‌شود، باید روشهای اخلاقی باشد. در اسلام کسب قدرت به هر قیمتی وجود ندارد و روشها خیلی مهم‌اند.»<sup>۱</sup>

اساساً شیوه‌های حکومت متفاوت است. یکی از روشهای حکومتی، دموکراسی است که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم.

### تعریف دموکراسی

دموکراسی به مفهوم جدید آن، به معنای حاکمیت مردم است. پیشینه این اصطلاح به آتن در قرن پنجم قبل از میلاد باز می‌گردد که در آن دموکراسی به معنی «حکومت مردم بر مردم و برای مردم» آمده است. دموکراسی از دو لفظ یونانی «Demos» به معنای عامه مردم و

«krafos» به معنای قدرت، حکومت، اداره امور و حاکمیت، گرفته شده است.

افلاطون این مفهوم را به کاربرد و آن را در ظاهر، از همه حکومتها زیاتر دانست؛ به این بیان که همچون لباس رنگارنگ که زنان و کودکان از آن فریفته می‌شوند، دموکراسی نیز ظاهری فریبنده دارد.<sup>۲</sup> البته وی چنین حکومتی را به صلاح مردم و مطلوب نمی‌داند و همچون ارسطو این مدل حکومتی را به مردم عصر خود پیشنهاد نمی‌کند.

امروزه تعاریف متعددی از دموکراسی شده است. بسیاری آن را یک سیستم خاص، شکلی از حکومت یا روشی حکومتی می‌دانند که گروهی به نام اکثریت مردم می‌توانند کنترل سیاسی خود را اعمال کنند.<sup>۳</sup>

۲. جمهوری، افلاطون، کتاب نهم، ص ۵۴۸.

۳. تاریخ فلسفه سیاسی، بازارگاد، انتشارات

زوار، تهران، ۱۳۵۹، ج ۱.

۱. مقام معظم رهبری، روزنامه جمهوری

اسلامی، ۷۹/۱۲/۲۷.

در مجموع، می‌توانیم مردم سالاری را به مفهوم حکومت به وسیله مردم یا اداره جامعه توسط تعداد زیادی از مردم یا امکان تجلی مشارکت عملی مردم در تعیین و تغییر خط مشیهای حکومتی بدانیم.

#### تعریف مردم سالاری دینی

با توجه به تعریف مردم سالاری، لازم است تعریف کوتاهی از دین نیز داشته باشیم:

دین عبارتست از: «مجموعه گزاره‌ها و آموزه‌های دستوری و ارزشی (بایدها و نبایدها، شایدها و نشایدها) سازواره‌ای که درباره تبیین هستی و تنظیم مناسبات آدمی از سوی هستی پرداز، از رهگذر وحی نبوی و هدایت فطری و عقلانی برای تمهید کمال و تأمین سعادت بشر است.»<sup>۱</sup>

و اما مردم سالاری دینی: «برخی، مردم سالاری دینی را ترکیبی از دو واژه مردم سالاری و دینی دانسته‌اند؛ در حالی که بسیاری از نظریه پردازان اسلامی آن را واژه مرکب نمی‌دانند. آنان قائل‌اند که مردم سالاری دینی به معنای ترکیب دین و مردم سالاری نیست، بلکه یک حقیقت واحد در جوهره نظام اسلامی است؛ یعنی اگر بنا باشد نظامی بر مبنای دین شکل گیرد، بدون پذیرش مردم ممکن نیست. ضمن آنکه تحقیق مردم سالاری واقعی هم بدون دین امکان پذیر نیست.»<sup>۲</sup>

این واژه، نخستین بار طی سالهای اخیر از سوی مقام معظم رهبری برای توصیف و تبیین نظام جمهوری اسلامی به کار رفت و سپس مورد توجه جدی‌تر نویسندگان و تحلیل‌گران قرار

۱. دین و دموکراسی، صادق رشاد، کتاب نقد،

۲. مقام معظم رهبری، روزنامه اطلاعات،

گرفت. بنابراین، در تبیین اصطلاح مردم‌سالاری دینی باید مردمی بودن را از دیدگاه ایشان دریافت.

«مردمی بودن حکومت، یعنی نقش دادن به مردم در حکومت، یعنی مردم در اداره حکومت و تشکیل حکومت و تعیین حاکم و در تعیین رژیم حکومتی و سیاسی نقش دارند. اگر یک حکومت ادعا کند که مردمی است، باید به معنای اول هم مردمی باشد، یعنی مردم در این حکومت دارای نقش باشند [و هم] در تعیین حاکم. در حکومت اسلام، مردم در تعیین شخص حاکم دارای نقش و تأثیرند.»<sup>۱</sup>

«مردم‌سالاری، یعنی اعتنا کردن به خواسته‌های مردم، یعنی درک کردن حرفها و دردهای مردم، یعنی میدان دادن به مردم.»<sup>۲</sup> و «اجتماع مردم‌سالاری، یعنی اجتماعی که

مردم در صحنه‌ها حضور دارند، تصمیم می‌گیرند، انتخاب می‌کنند.»<sup>۳</sup>

«در جامعه‌ای که مردم آن جامعه اعتقاد به خدا دارند، حکومت آن جامعه باید حکومت مکتبی باشد؛ یعنی حکومت اسلامی و شریعت اسلامی. احکام و مقررات اسلامی باید بر زندگی مردم حکومت کند و به عنوان اجرا کننده این احکام در جامعه، آن کس از همه مناسب‌تر و شایسته‌تر است که دارای دو صفت بارز و اصلی است [فقاہت و عدالت].»<sup>۴</sup>

به نظر می‌رسد تبیین مقام معظم رهبری درباره مردم‌سالاری دینی تمام کننده بحث باشد:

«جمهوری اسلامی [هم بر این] دو پایه استوار است: یکی جمهوری، یعنی آحاد مردم و جمعیت کشور، آنها هستند که امر اداره کشور و تشکیلات

۱. در مکتب جمعه، ج ۷، ص ۲.

۲. همان، ج ۵، ص ۳۹۰.

۳. همان، ص ۳۱۱.

۴. همان، ص ۳۰۰.

دولتی و مدیریت کشور را تعیین می‌کنند و دیگری اسلام، یعنی این حرکت مردم بر پایه تفکر اسلام و شریعت اسلامی است... در چنین کشوری اگر حکومتی مردمی است، پس اسلامی هم است.<sup>۱</sup>

«در چنین [نظام اسلامی، یعنی مردم سالاری دینی، مردم انتخاب می‌کنند، تصمیم می‌گیرند و سرنوشت اداره کشور را به وسیله منتخبان خودشان در اختیار دارند؛ اما این خواست و اراده مردم در سایه هدایت الهی [است و] هرگز به بیرون جاده صلاح و فلاح راه نمی‌برد و از صراط مستقیم خارج نمی‌شود.»<sup>۲</sup>

اصول و شاخصه‌های مردم سالاری دینی  
از آموزه‌های دینی، و سیره پیامبر گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله

- و ائمه اطهار - علیهم السلام - و نیز قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصول و ویژگیهای زیر قابل استخراج است:<sup>۳</sup>

۱. خدا محور  
خداوند خالق انسان، جهان و منشأ و مصدر همه امور عالم است و به تواناییها و نیازهای انسان واقف است و بر اساس آن، برنامه زندگی انسان را تنظیم و تدوین می‌کند. قوانین موضوعه انسانی که به اذن خداوند و در دایره شریعت نباشد، به جای سعادت، شقاوت و عقوبت را به ارمغان می‌آورد؛ چنان که تجربه بشر غربی گواه بر این مدعاست که انسان به تنهایی قادر به تعیین هدف آفرینش و تنظیم برنامه زندگی نیست؛ زیرا ابزار

۳. در بعضی از ویژگیها از مقاله آقایان کمال اکبری (اصول و ویژگیهای مردم سالاری دینی) و مرتضی شیرودی (مردم سالاری در دو عرصه غربی و اسلامی) استفاده شده است.

۱. حدیث ولایت، ج ۴، ص ۴۶.  
۲. مقام معظم رهبری، روزنامه جمهوری اسلامی، ۸۰/۵/۱۳.

شناخت انسان، یعنی حس و تجربه و عقل، ابزارهای محدود و نسبی هستند که نه تنها خطا پذیرند، بلکه حتی از شناخت تمام ابعاد وجود خود انسان نیز عاجزند تا چه رسد به اینکه رموز جهان آفرینش و اسرار نهفته در عالم غیب و آخرت را دریابند. بنابراین، واضح است که در یک نظام مردم‌سالاری دینی تنها خداوند است که عالم به تمام حقایق فرض می‌شود و تنها در ید قدرت اوست که با ارئه قوانین منطبق با فطرت و هماهنگی با خلقت و با ارسال پیامبر و انتصاب امام به عنوان اسوه‌ها و الگوهای عملی، انسانها را در راه نیل به کمال و حرکت در همان مسیری که هدف خلقت بوده، هدایت و راهنمایی کند.

در مردم‌سالاری دینی قبل از هر چیز حفظ بنیانهای اعتقادی و فکری مردم جایگاه بلند و ارزنده‌ای دارد.

مقام معظم رهبری در تبیین این اصل مهم می‌فرمایند:

«بنیای حکومت اسلامی این است که مردم را از ظلمات به نور ببرد. اراده دین است که انسان را از ظلمات و خودخواهی، خودپرستی، شهوت، محصور بودن در مسائل شخصی، بی‌تقوایی در برخورد با هر کس، با هر چیز و با پدیده‌های عالم، خارج کند و به نور معنویت، نور هدایت و نور همت بلند برای خدا برساند.»<sup>۱</sup>

ادامه دارد...

۱. مقام معظم رهبری، روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۹/۱۱/۱۱.